

شیخ نشینهای خلیج فارس

دکتر پیروز مجتهد زاده

مرکز پژوهش‌های خاورمیانه و نزدیک دانشکده خاورشناسی لندن

به کوشش : مسعود رضایی

آنچه تواریخ نشان می‌دهند حوزه خلیج فارس از قرون و اعصار کهن معمور و مرکز تمدنهای سر آمد بوده و حتی بنابر پاره ای عقاید اولین تمدن و حتی اولین نشانه پیدایش انسان در حوالی آن خصوصاً در بین النهرین بوجود آمده است. چنانکه "ارنولد ویلسون" در کتاب خود مینویسد: "رویه‌رفته عمان و تمام خلیج فارس زمینه بکرو منماسبی است برای تحقیق و مطالعه درباره انسان نخست" (1) این دریا بعلت داشتن ثروتهای بیکران و بسبب موقعیت فوق العاده خود از دیرباز مورد توجه بوده، اهمیت زیادی دارد. چنانکه در روایات آمده حتی نوح پیغمبر نیز در آن دست داشته است. بگواهی تاریخ دولت ایلام نخستین دولتی بود که در این خلیج استحکاماتی داشته در اطراف آن باقدماتی دست میزد. بالاین ترتیب، بوجود دولت ایلام که مرکزش شهر شوش در نزدیکیهای خلیج بود نشان دهنده اولین تمدن پیشرفته و مقتدر در سواحل این دریا میباشد. این قوم که تاریخ شان را تا چهار هزار سال پیش از این تخمین زده اند در مرزهای غربی خود با حکومت های مختلف آشور، بابل و سومر و آكد همسایگی داشته و تقریباً همه این دولتها حداقل برای مدتی کوتاه در خلیج جنوب ایران دست داشتند.

علی الخصوص که مطالعات زمین شناسی ثابت کرده است دریای مذبور در ازمنه باستانی ابعادی بمراتب وسیعتر از حال داشته و تا حدود بصره و خرمشهر امروزی راشامل میشد و در نتیجه رودهای دجله و فرات و کارون، هریک جداگانه به خلیج می پیوستند و از شط العرب خبری نبود. طبیعی است که با این راههای آبی جداگانه و سهل العبور و نزدیکی خلیج به مراکز حکومت، دولتهای نامبرده در آن صاحب علائقی بودند، ولی مسلم است که غیر از دولت بابل هیچ یک از آنان بحریه کامل و مهمی نداشتند و سندی که بتواند ثابت کند اقوام مذکور این دریا را چه نام نهاده بودند، در دست نیست. قدیمیترین اسناد و مدارک در این مورد مربوط به مورخین و جغرافیدانان یونانی است که منشأ تشان در میان همه ملل شرق سندیت و

اعتبار داشته، اقوالشان مورد تأیید است. "استرابن" جغرافی دان معروف یونانی که در قرن پنجم پیش از میلاد میزیست و بپدر جغرافیا معروف است، در کتاب جغرافیای خود که در سال 1805 در پاریس بچاپ رسید، از این دریا بعنوان خلیج فارس یاد میکند و محل سکونت اعراب را میان خلیج عرب (دریای سرخ) و خلیج فارس ذکر کرده است. "کلودیوس بطلمیوس" جغرافی دان و مورخ دیگر یونان باستان ضمن مطالبی، از این دریا بعنوان (persicus sinus) خلیج فارس یاد میکند و این اصطلاح بعدها به سینوس پرسیکوس (sinus persicus) تغییر یافت. رومیان که در آن زمان از قدرت و نیرویی برخوردار بودند و به بلاد مختلف جهان در اقصی نقاط رفت و آمد داشتند در آثار خود از دریای مزبور نام برده اند و آنرا آبگیر پارس (aquarum persics) خواندند و این اصطلاحات تا آغاز اسلام با مختصر تغییراتی رایج و متداول بود و پیوسته دریای مذکور با پارس نسبت داشت و در تمام این مدت دریای سرخ بعنوانهایی از قبیل خلیج عربی، خلیج عربها، بحر قلزم و غیره خوانده میشد. دوران هخامنشی دوران آشنایی بیشتر با این معبر آبی مهم بود و آنطور که مورخین بزرگ از جمله "هرودوت" نوشته اند، چون داریوش بزرگ قصد یافتن مصب رود سند را نمود، سه سال بعد از حفر کانال بین دریای سرخ و رود نیل در مصر، یک هیأت دریایی را بسرپرستی "سیلاکس" یا "سکولاخ" نامی از مردم کاردیده یونان مامور کشف این مهم کرد. هیأت مذکور از شهر (کاسپاتیر) در محل پاکتیا حرکت کرده، بدنبال تتبعات خود آنقدر پیش رفتند که توانستند مغرب و مشرق، خلیج فارس و دریای عمان و مصب سند و سرزمین هند و دریای سرخ را ببابند و از دریای سرخ از طریق کانالی که توسط شاهنشاه هخامنشی بین این دریا و رود نیل در محل سوئز کنده شده بود وارد مصر سفلی شده تا پایان سال 519 قبل از میلاد توانستند تحقیقات خود را کامل کنند. متعاقب پژوهشهای سیلاکس داریوش به حرکت در میاید و مردم هند و سایر بلاد اطراف را به اطاعت خود در میآورد.

داریوش بزرگ قبل از این اقدام، از طریق خشکی وارد مصر شده بود و در انجا اقدام به حفر کانالی در محل سوئز از رود نیل به دریای سرخ مینماید و در اینجا است که از خود سندی جالب جای میگذارد. داریوش از کتیبه ای که از وی در محل کانال بدست آمده و بکتیبه (حجر الرشید) معروف است شرحی از اعمال خود ذکر کرده، ضمن اینکه سبب حفر کانال را مینویسد از دریای مورد نظر ما چنین یاد میکند (draya tya hacha parsa aity در ایاتا هچا پارسا آئی تی) و نام دریای جنوب ایران را ککه بدریای سرخ ارتباط دارد (خلیج فارس) ثبت میکند، داریوش بزرگ هخامنشی مبدع نیرومندترین واحد دریایی زمان خود بود و کشفیات جدید باستانشناسی نشان داد که جزیره قشم بزرگترین پایگاه دریایی هخامنشیان میبود. داریوش در

دریای پارس شبکه تجاری دریایی منظم و سریعی ایجاد نمود و بهره برداری سریع را از این معبر مهم تجاری و سوق الجیشی آغاز نهاد و قسمت عمده سرزمینهای اطراف آنرا به اطاعت خود درآورده حوزه خلیج فارس را در داخل حیطه فرمانروایی خود قرار داد و این وضع بیش و کم تا روی کار آمدن اسکندر مقدونی موجود بود.

اسکندر ضمن اینکه طی حملات سه گانه خود سراسر ایرانرا که از هندوستان تا بین النهرین و شمال شبه جزیره عربستان و شمال آفریقا وسعت داشت بتصرف در میآورد ،بفکر دستاندازی در خلیج فارس افتاده،سردار خود "نئارخوس" یا نآروک را روانه آن دیار نمود.گویا نئارخوس در این مأموریت دچار مشکلاتی شده، بهنگامی که قصد عبور از خلیج را نمود از طوفانهای مهیب و اوضاع آشفته آن در هراس شده و پاپس نهاد.معروف است که در این موقع اسکندر چند گاو نر را برای آلهه دریاها قربانی کرده9 بدرگاه او نیایش کرد و این عبارت را که(ای خدای قادر دریانوردی نئارخوس را در دریای پارس تا مصب دجله حمایت کن و او را سالم بازگردان)از وی در این باب دانند،اسکندر باین معبر دریایی اهمیت زیادی میداد و در سفرنامه خود بکرات از آن بعنوان (persikon kaitas) پرسیکون کائیتاس(خلیج فارس) یاد میکند.همچنین تاریخ نویسان از روی تاریخ آریان یادداشتهای نئارخوس را مجزا و خلاصه کرده اند .وی در یکی از این یادداشتها درباره این خلیج چنین میگوید: "هیچیک از سواحلی که پیموده ام مانند سواحل خلیج فارس پر کشت و زرع نیست ،عطر و ادویه از عربستان از راه دریای پارس می آورند و به بابل می برند." دیری نپایید که حکومت اسکندر و جانشینانش سلوکیان که قریب به 82 سال بر ایران حکم راندند،در نتیجه جنبشهای ناسیونالیستی مردم ایران زمین واژگون گردید و قوم ایرانی پارت صاحب قدرت شده، دولت مقتدر اشکانی را ایجاد نمودند.

ایناند نیز مانند اسلاف توانستند از معبر آبی پارس بهره برداری نمایند.حدود سال 117 مسیحی در زمان خسرو پادشاه اشکانی (اشک بیست و سوم) تراژان امپراطور روم به ایران حمله کرد و تیسفون را گرفت و برای نخستین بار پرچم روم را در آبهای خلیج فارس برافراشت،اما بزودی مغلوب خسرو گردیده ناچار به عقب نشینی از خلیج فارس و ایران گردید وبروم بازگشت.یکبار دیگر در زمان شاهپور دوم ساسانی بسال 363 میلادی عده ای در بحرین شورشهایی کردند،و دولت ساسانی باین غائله خاتمه داد،ولی موضوع به جنگ میان ایران و روم انجامید .این جنگ در آبهای خلیج بنفع بحریه ایران خاتمه پذیرفت و دست رومیان از این دریا کوتاه ماند.برقراری سرویس منظم کشتیرانی ساسانیان در خلیج فارس باعث رونق تجارت گردید

و سبب شد که ایرانیان از این معبر مهم به اقصای نقاط عالم سفر کنند و در پاره ای بلاد رحل اقامت افکنند چنانکه امروز دسته بزرگی از مردم زنگبار (از ایالات کشور آفریقایی تانزانیا) به شیرازیها معروفند. در خلال این احوال سواحل جنوب خلیج فارس مسکن قومی سیاه از اقوام آفریقایی که حدود یکصدسال قبل لز هخامنشیان از آفریقا بدان سامان مهاجرت کرده بودند، میبود و شواهدی که نشان دهنده سکونت اعراب تا این تاریخ در خلیج فارس باشد در دست نیست.

آنچه مسلم هست اردشیر ساسانی بنواحی جنوب خلیج تاخت و بومیان سیاه ساکن در آن سرزمین را بسبب مزاحمتهایشان رانده تا حدود و ثغور آفریقا تعقیب نمود و هم او بود که اعراب متوطن در مرکز جزیره العرب را اجازه توطن در سواحل خلیج داد. قابل انکار نیست که در زمان ساسانیان سراسر نواحی جنوب خلیج فارس تا یمن تحت نفوذ این حکومت بود، پناه بردن (سیف بن ذی یزن) و پسرش معدی کرب سرداران یمنی بدربار ایران از تجاوزات ابرحه سردار حبشی و ماموریت "مهرز" سردار دلیر ایرانی در یمن برای کمک به سیف و پسرش نشانه بارز این امر است و بطریق اولی قابل انکار نیست که در این زمان اعراب برای رسیدن به سواحل خلیج و رفع بومیان سیاهپوست از حمایت دولت ذی نفوذ ساسانی برخوردار بودند. عربها بعدا توانستند دولتهای کوچکی مانند دولت حیره که تحت حمایت شاهنشاهی ایران بود و دولت غسان در شمال بادیه الشام و دور از ساحل که تحت حمایت امپراطوری روم سر می کرد فوج وجود آورند و بحرین که در حکم پلی از شمال بجنوب خلیج می باشد و در این زمان در رسیدن دسته هایی از اعراب، بسواحل ایران در شمال خلیج نقش مهمی را ایفا نمود. ظهور اسلام و انقراض شاهنشاهی ساسانی سرآغاز تسلط اعراب بر سراسر جنوب خلیج و صدر اسلام عصر توسعه نفوذ اعراب در این منطقه بحساب میآید و فصل نوینی در تاریخ منطقه خلیج فارس را تشکیل میدهد. بهنگام ظهور اسلام اغلب مردم سواحل خلیج فارس بکیش ایرانیان یعنی زردشتی بودند.

اولین نشانه گسترش اسلام در خلیج فتح بحرین بدست "ابو هریره" از یاران پیغمبر در عهد عمر خلیفه دوم بود و از آن زمان رفته رفته این منطقه همراه با مناطق دیگر خاورمیانه تحت استیلای اسلام درآمد. در زمان خلفای بنی امیه سختگیریهای حجاج بن یوسف ثقفی بر خوارج که گروهی از سپاهیان مطرود علی ابن ابی طالب (ع) بودند موجب فرار این قوم بسواحل خلیج فارس خصوصا بحرین و عمان گردید. هجوم این گروه به منطقه خلیج سبب بروز آشوبها و کشمکشهای ممتد و طولانی در این صفحات گردید و اگر چه این شورشها دیری نپایید ولی شالوده انقلابات و در نتیجه آن خودمختاریهایی در آنجا ریختند. در زمان بنی

عباس شخصی به نام علی بن محمد معروف به صاحب الزنج بقصد در هم ریختن اساس حکومت عباسی در بحرین و دیگر نقاط خلیج فارس قیام کرد و در میان مردمان مستعد آن دیار بزودی نفوذ یافت ولی در جنگ با (الموفق) برادر خلیفه (المعتد عباسی) شکست خورده از بین رفت چند سال بعد از واقعه مزبور شخص دیگری بنام "عبیداله حمدان قرمطی" که اصلاً ایرانی بود ظهور کرد و با علم کردن آئین خاصی (اسماعیلی) دامنه نفوذ خود را بر سراسر خلیج فارس گسترده و کار آنها بجائی رسید که در سال 316 هجری بمکه حمله برده "حجرالاسود" را از دیوار خانه کعبه جدا کرده به بحرین بردند و بعد از بیست سال با دریافت مبالغ زیادی آنها بازگرداندند. (277 تا 377 هجری)

در زمان معزالدوله دیلمی سرزمین عمان به تصرف دیالمه درآمد. (345 هجری) ولی دیری نپایید که میان آنها با قرامطه که مدت‌ها در آن سامان صاحب اقتدار بودند اختلاف افتاد و عاقبت تا سال 367 این گروه از طرف دیلمیان در زمان عضدالدوله دیلمی منکوب شدند و از آن زمان تا سال 456 هجری که عمادالدوله دست نشاندۀ سلجوقیان کرمان به سرزمین عمان لشکر کشیده آنجا را ضمیمه حکومت سلجوقیان کرمان نمود ، سراسر خلیج در حیطه فرمانروایی دیلمیان قرار داشت .

خلیج فارس پس از گذشت سال‌ها که در دست سلاجقه کرمان بود ، در نتیجه اقدامات ابوبکر بن سعد بن زنگی (ممدوح شیخ سعدی) ضمیمه قلمرو حکومت وی گردید و جزایر بحرین و سواحل قطیف و امارت عمان که دم از خود سری می زدند همچنان در تابعیت اقلیم پارس ماندند و از این تاریخ جزیره کوچک هرمز وضع خاصی پیدا کرده به صورت ولایت مهم خراجگذار دربار فارس درآمد و تا زمان فتح آن به دست "آلبر کوک" سردار پرتغالی در همان وضع باقی ماند .

تا سال 1498 میلادی (904 هجری) که سال کشف دماغه امید نیک و توجه غربیان به نواحی شرق و هند و خلیج فارس می باشد، منطقه خلیج میدان کشمکش اقوام محلی که گاه و بیگاه قیام می کردند و حکومت‌های اسلامی و محلی شمرده می شد . هنگامیکه "واسکودوگاما" (2) در سال 1498 میلادی دماغه امید را کشف کرد امپراطوری پرتغال به سرزمین‌های پربرکت هندو خلیج فارس توجه زیادی پیدا کرد و با شکست سیف الدین حاکم هرمز از آلفونس آلبرکوک سردار پرتغالی در سال 1518، پرتغال آهسته آهسته در این مناطق برای خود جایی باز نمود و بعداً با تصاحب جزیره بحرین بیش از یک قرن بیرادع و مانع بازرگانی خلیج را بدست گرفت. در اوایل قرن شانزدهم این انحصار تجارت ، مورد تجاوز تجار اروپایی قرار گرفت و رفته رفته دیگر دول اروپایی نیز به طرف خلیج روی آوردند و به قصد گشودن باب مراوده و داد و ستد با ملل

شرق میانه و شرق دور کوششهای زیادی به عمل آورده ، مراکز تجاری و بازارهایی در سواحل خلیج کسب نمودند . در نتیجه این اقدامات اعتبار و وجه پرتقال در خلیج خود به خود کم شد و هلندی ها و فرانسویان و اسپانیولها به کسب موقعیتهایی نایل آمدند . انگلستان هم که از دیر باز نقشه تصرف هند را در سر داشت فعالیت زیادی را برای ایجاد قدرت در خلیج فارس و دست یابی به هند آغاز نهاد .

در این احوال دولت صفویه که با روی کار آمدن شاه عباس بزرگ قدرتی به هم رسانده بود مصمم به اخراج بیگانگان از این منطقه و خاتمه بخشیدن به استثمار گریهای متمرکز و فعال خلیج ، گردید . شاه عباس برای نیل به این هدف به اقداماتی دست زد . وی که بقدرت نیروهای مستثمر خلیج آگاهی داشت در صدد اتحاد با یکی از آنها علیه سایرین برآمد و بنابر دلایل عدیده انگلیس را نامزد این کار نموده با حکومت هند انگلیس وارد مذاکره گردید و امام قلیخان امیرالامرای فارس را با تهدید کردن نمایندگان حکومت هندشرقی انگلیس دایر بر توقیف ابریشم های تجاری آن دولت در ایران، موافقت کمپانی هند انگلیس را بهمکاری جلب کرد. اقدامات جنگی نیروهای شاهنشاه صفوی و انگلیس سرانجام منجر به تسلیم شدن پرتقال در سال 1622 میلادی برابر با 1031 هجری و تصرف جزایر هرمز و بحرین که مرکز عملیات اندولت بود، گردید. و ایرانیان و انگلیسها متعاقب آن بتسلط اسپانیائیه بر جاسک و به نفوذ این دولت در خلیج فارس نیز خاتمه دادند.

این اقدامات اگر چه باستعمارگری اسپانیا و پرتقال در خلیج خاتمه بخشید، ولی باعث گشوده شدن دست استعماری دیرپای چون بریتانیای کبیر گشته آنانرا در حفظ خلیج و استقرار در آن تقویت نمود. پس از اینکه انگلیس توانست جای پرتقال را بگیرد فرانسویها و هلندیها وارد خلیج شده دست بتاسیس کمپانیهای شبیه کمپانی هند انگلیس زدند و پابپای انگلیس پیشرفت نمودند و این امر سبب اصطکاک مقاصد سه دولت گردید ، لذا طبق قراردادی که در سال 1700 میلادی میان سه دولت انگلیس و فرانسه و هلند برای رفع دزدان دریایی که وجودشان در خلیج فارس سابقه ای طولانی (3) دارد ، بسته شد، مقرر گردید که هلندیها در دریای سرخ و فرانسویها در خلیج فارس و انگلیسیها در آبهای هندوستان بدفع دزدان دریایی بپردازند . ولی این اقدامات همه بلااثر ماند و مسئله در عمل صورت دیگری به خود گرفت ، زیرا انگلیسیها که وجود فرانسویان را در خلیج فارس مغایر سیاست و مقصود خود دیدند بموجب قرار دادی که در سال 1763 میان طرفین منعقد شد دست فرانسویها را تقریباً از هند و خلیج فارس وبطور کلی از آسیا بجز پنج بندر (4) هندی و سرزمین هندوچین (5) کوتاه کرده به حاکمیت هلندیها پایان بخشیدند. انگلیس بادریافتن موقعیت ممتاز خلیج

از نظر تجاری و استراتژیکی و منابع عظیم آن رفته رفته قدرت خود را استحکام بخشیده، بدست اندازی در سرزمینهای حوزه خلیج پرداخت تا آنجا که در قرون نوزده بهانه سیاست مبارزه با تجارت ((برده)) که بشدت از طرف این دولت دنبال میشد و بموجب قوانین کنفرانس عمومی بروکسل که در همین زمینه تشکیل شده بود و مسئولیتهائی که متوجه آن دولت میگردد، بابتن قراردادهایی با شیوخ خلیج و شیخ کویت در این زمینه، بعنوان پلیس امنیتی اوضاع را زیر نظر گرفت و پایگاههایی چون بحرین و شارجه کسب نمود. در خلال قرون هجده و نوزده دولتهای نروژ، اتریش، ایتالیا، سوئد، روسیه و بلژیک هر یک فعالیتهائی را در این خلیج آغاز کردند و بر رقابت سیاسی پرداختند و بازرگانی خاصی را بوجود آوردند. از میان این دول، دولتن بلژیک بسبب اینکه نیروی دریایی ایران را تحت فرماندهی خود گرفته بود توانست برای خود وجهای دست و پا کند. اما دیری نپائید که موقعیت مستحکم انگلیس باعث تزلزل قوای دولتهای مذکور در خلیج شد و یکی پس از دیگری مقام خود را به انگلیس واگذار کرده، پس نشستند.

همانطور که گفته شد انگلیس با عقد قرار دادهایی که با شیوخ قبایل جنوب خلیج و کویت در سالهای 1847 و 1902 بست بعنوان پلیس امنیتی اوضاع را زیر نظر گرفته یک تاز میدان گردید. اگر چه اعراب مدتی کوتاه دست به جنبشهایی برای رفع حمایت و قیومیت بریتانیا زدند، اما اقدامات نیروی دفاعی انگلیس آنان را به جای خود نشاند و جنبشهایشان را سرکوب و بلا اثر گذاشت و با استقرار نیروهای هوایی و دریایی در بحرین و شارجه کنترل اوضاع را در دست گرفت. از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که رفته رفته نفت خلیج بروز مقام میکرد انگلیس توجهی بیش از پیش باین منطقه نموده توسط کمپانیهای نفتی خود برای گرفتن امتیازاتی جهت استخراج نفت سخت بتلاش افتاد و بالاخره به کسب پاره ای امتیازات از طریق قراردادهایی که اغلب از حد عدالت و انصاف دور بود نایل آمد و این امتیازات شامل نفت جنوب ایران، نفت عراق، نفت کویت، نفت شمال عربستان، نفت بحرین و نفت قطر میگردد. (6) بریتانیا با امتیازات مذکور مدت نیم قرن بعنوان تنها قدرت فعال خلیج امور جاری را تحت نظر مستقیم خود گرفت و در این امر، ای بسا حقوق ملتها را زیر پا نهاد و چه بسیار که با دخالتهای جابرانه خود در تعیین سرنوشت این مردم آینده وحشتناکی را برایشان تدارک دید و با بیرحمی تمام ملتها را از قافله تمدن دور ساخته، هرگونه جنبش را بخاطر استمرار در استثمار و استعمار خود گاه در ظاهر وزمانی در خفا در نطفه خاموش میکرد.

حتی وقتی که در زمان رضا شاه کبیر دولت ایران اقدام به ایجاد ناوگان دریایی در خلیج فارس نمود دولت بریتانیا کبیر برای جلوگیری از توسعه قدرت ایران که مغایر با سیاست آندولت میبود به بهانه های زمان

جنگ بین الملل دوم، در شهریور 1320 رسماً با قوای ایران وارد نبرد شد و بحریه جوان ایران را نابود ساخت. اما جبر زمان پایه های امپریالیسم شوم بریتانیا را متزلزل ساخت و دولت اقبال انگلیس را بسراشیب بیقدرتی و بی اهمیتی کشاند. زیرا مسیر زمان برای همیشه تغییر ناپذیر نخواهد بود. انگلیس برای ایجاد محیطی امن و آرام، جهت پیشرفت مقاصد خود و برنامه های خود ناچار بنگهداری نیرو و خرج هزینه هایی گردید. طبق ادعای دانشگاه جرج تان آمریکا که در این زمینه تحقیقاتی به عمل آورده است، بریتانیا سالانه بطور متوسط 35000000 (سی و پنج میلیون دلار) در خلیج خرج دارد. که صرف نگهداری نیرو در بحرین و شارجه میشود. خرج این مبلغ و مبالغ نظیر آن در سایر نقاط آسیا در قبال اقتصاد بحرانی بریتانیا که در سالهای اخیر بر اثر انفعالات اقتصادی اروپا وضع نامطلوبی پیدا کرده و در صفحه اقتصاد جهان این کشور را دچار ناکامیهای ساخت و دشواریهایی فراهم کرد، برای آندولت غیر قابل دوابوده مستلزم خاتمه پذیری گردید.

اینکه بر انگلیس، بحرانی اقتصادی چیره شده است یک ادعا نمیشد بلکه حقیقتی است که در صفحه 56 نشریه (بریتانیا باختصار) که از طرف سفارتخانه های آندولت انتشار میشود این چنین آمده است: ((.... دولت بریتانیا در سالهای 1964 معادل 402 میلیون لیره (قریب 1004 میلیون دلار) و 1967 معادل 514 میلیون لیره (قریب 1280 میلیون دلار) کسر بودجه داشته است.... از اینرو دولت دست بیک سری اقدامات دوررس زد که از جمله آن تقلیل نرخ لیره بمیزان 14 درصد بودو بدینوسیله امید دارد توازن بهتری در پرداختهای خود دائر نماید.....)) این ضعف اقتصادی انگلستان که منجر به چند بار کاهش دادن ارزش لیره گردید روی عملیات و قدرت ایندولت تأثیر عمیقی بخشیده وباصطلاح ستاره اقبال امپریالیسم کهنه را براه افول کشانید تا جائیکه مصرف هزینه های گزاف در اقصی نقاط جهان جهت نگهداری قوای تدافعی برای انگلیس غیر قابل تحمل شده، مستوجب خاتمه پذیری گردید. بر این اصل دولت گارگری بریتانیای کبیر پس از بررسی های زیاد ضمن یک برنامه صرفه جویی عمومی تصمیم به خروج نیروهای خود از شرق سونزو مآلا از خلیج فارس گرفت. وبا اعلام این تصمیم فصل نوینی را در تاریخ منطقه آغاز کرد. موضوعی که در این میان اهمیت زیادی دارد، خلأی است که بعد از خروج قوای نظامی بریتانیا، در خلیج فارس بوجود میآید. خلأی که بایستی فقط توسط صاحبان اصلی و واقعی خلیج فارس پر گردد تا راه بر نفوذ ورود قدرتهای دیگر مسدود گردد.

رسیدن به چنین هدفی ممکن نخواهد بود مگر در سایه برقراری همکاری و اتحاد میان همه مردم منطقه و همه آنهایی که بنحوی در سرنوشت خلیج سهیم هستند در ان حق و حقوقی دارند. بنابراین وبا توجه به این موضوع، باید گفت که آینده بستگی به تصمیم ما صاحبان واقعی خلیج و ساکنان حول آن دارد. و این ما هستیم که باید با دقت تمام، آینده خلیج را از طوفانهای سخت سیاسی و نظامی بدور داریم و بابزیر پا نهادن پاره ای اختلاف نظرهای بسیار مضر که از اهم آن موج جدید در جهت تغییر نام خلیج فارس می باشد، راه را برای رسیدن بتوافق و یکپارچگی های ضروری هموار نماییم. در مورد نام خلیج فارس باید گفت، خلیج فارس برای همیشه خلیج فارس بوده و کلیه کتب ایرانی و عرب و ترک و هندی و اروپائی حکایت از اینامر دارد و این حقیقت مسلم راجلوه در می آورد. و جنجال تغییر آن نفاق افکنی است.

در این زمینه غرض بحث و آوردن اسناد و مدارکی که حجم آن از چندین کتاب نیز تجاوز می کند (7)، در میان نیست. زیرا فارسی بودن خلیج فارس، از فرط روشنی و آشکاری، حدی بر آن نیست و بحث پیرامون آم جز اتلاف وقت و طول مقال ثمری نخواهد داشت. لذا قضاوت را بعهده چند تن از روشنفکران عرب مینهم. باشد که این حقیقت مسلم بیشتر بجلوه در آید. "قدری قلجعی" نویسنده بزرگ و متفکر عرب در ماه نوامبر 1968 در مقاله ای تحت عنوان (ملاقات صلح در مهد اسلام) که در روزنامه الراصد چاپ بیروت نوشت چنین قضاوت میکند: ((ایران دولتی است دوست و ملتی برادر ، تاریخ آن با تاریخ عرب در هم آمیخته و فرهنگ ما برای دوره ای از تاریخ مخلوط گشته است... و اختلافات ما با آن درباره عربیت خلیج فارس بیش از اختلاف ما درباره عربیت ابن المقفع، ابن بردو، ابی نواس، ابن قتیبه، ابن سینا، سیبویه، خوارزمی، اصفهانی، همدانی، رازی، موصلی، بلخی، بیرونی، غزالی، شهرستانی، گرگانی، طغرانی، کاشانی، تبریزی و شیرازی که همه از شاخه های ایرانی پدید آمده و در محیط اسلام رشد و نمو یافته اند، نیست.)).

"علی حمیدان" که از نویسندگان برجسته عالم عرب است در کتاب (les Princes deorlmoir) چاپ پاریس همه جا از خلیج فارس یادآور میشود و متعاقب آن روزنامه تایمز لندن در 26 سپتامبر 1968 در صفحه خاورمیانه اظهار امیدواری کرده است که دیگر نویسندگان نیز از این محقق منصف پیروی کرده و از سعی بیهوده در تغییر نام خلیج فارس که قرنهای در کلیه نقشه های جهان بهمین نام طبع شده است پرهیز نمایند. نذیر فنصه سردبیر مجله الاخاء در این باره مقاله جالبی نوشت و ضمن آن بشرح وضعیت علما و دانشمندان و متفکرین عرب پرداخته که چگونه از لجابت و تعصب غیر منطقی دچار ناراحتی گشته اند

و مینویسد: "امروز اعراب از لحاظ تسمیه خلیج فارس در وضعی قرار گرفته اند که نویسندگان و مورخان منصف از ترس اینکه در تلاطم احساسات لبریز شده متهم به دست نشاندگی و ارتجاع نشوند، نمیتوانند اظهار نظری کنند... شما را بخدا بگویند که نام خلیج از چه تاریخی در کنار طفظ (عربی) قرار گرفت. این بدعت از ده سال قبل و از زبان یک سیاستمدار معروف و در راه یک هدف غایب معینی... آغاز گشت. ایرانیان نیز میتوانند کلمه فارسی را کنار شط العرب قرار دهند و بجای گفتن (شط العرب) آنرا شط فارسی بنامند، ولی با اینکه این شرط در آغوش سرزمین آنان قرار گرفته چنین کاری نکردند زیرا آنان بتاریخ و اصول بین المللی احترام میگذارند" (8)

دکتر سید محمد نوفل مصری، معاون اتحادیه عرب و نماینده دولت مصر در کنفرانس حقوق بشر تهران 1968 در مصاحبه ای با خبرنگاران، پیرامون خلیج فارس چنین سخن میگوید: "من کوشش هائیرا که برای تغییر نام خلیج فارس به خلیج عربی صورت می گیرد مورد استهزاء قرار داده این کوششها ی بینتیجه را محکوم میکنم." وی گفت که مطالعاتی درباره منطقه خلیج فارس دارد و در کتابی که در سال 1952 درباره این منطقه نوشته است همه جا از خلیج فارس نام برده و تنها شیخ نشینهای خلیج را نه غرب و نه ایرانی دانسته است. (9)

همچنین روزنامه آکسیون چاپ تونس در اسفند ماه 1348 در بحث مفصلی تحت عنوان (کدام یک از این عبارات صحت دارد) ضمن اینکه تاریخچه خلیج فارس را مورد بررسی قرار می دهد فارسی بودن خلیج فارس را ثابت نمود و این اصل را از هر نوع شبهه ای مستبعد دانسته است. علاوه بر این کتابهای زیادی از سال 1959 تاکنون از طرف پاره ای از نویسندگان و محققین منصف عرب بچاپ رسیده است که در آنها از این دریا بهمان نام اصلی یعنی خلیج فارس نام برده است. خلیج فارس در حاشیه فلات ایران واقع است و ایران با توجه بجزایر متعدد خود شعاع و سیعی از آنرا از روزگاران کهن تحت فرماندهی خود و در قلمرو حکومت خویش دارد. ایرانیان و پارسیان نخستین قومی هستند که در ساحل این خلیج سکنی گزیده اند و وسیعترین شبکه تجاری را بادنیای خارج بوجود آورده اند و ایران طولانیترین خط ساحلی را دارد و جمعیتش بمراتب بیشتر از جمعیت سایر اقوام منطقه میباشد.

فارسی زبانان د اخل خلیج همیشه حائز اکثریت هستند و تعداد جزایر ایرانی بمراتب بیشتر است و قادرترین قوای نظامی خلیج از آن این کشور است. پس با توجه به این اصول ، صحیح نیست که دست به کاری زده شود که حاصلی جز ایجاد شکاف میان مسلمانان و بازشدن پای مفسدین در خلیج و ایجاد آشوب و تلاطم در

آن، ندارد. تاکنون تاریخ نشان داده است که عده غای برای کسب منافع نام یک منطقه را تغییر دهند. حتی موقعی که سازمان ملل کنفرانسی برای تغییر نام خلیج عقبه بعمل آورد، دول عرب که در این کنفرانس شرکت داشتند ضمن تصویبنامه ای از این کنفرانس خواستند، اسرائیل بسبب تلاشهایی که در جهت تعویض نام خلیج عقبه بعمل میآورد تقبیح شود. (10)

بدین ترتیب میتوان بمقاصد سوء در این مهم پی برد، زیرا تغییر نام یک محل و منطقه چه نتیجه ای حاصل میکند و چه سود مضاعفی را متوجه خواهان مینماید؟ مسلماً هیچ. همانطور که فارسی بودن خلیج تاکنون سود مضاعفی را متوجه ایران نساخته و از اعراب حقی تضییع نکرده است و در این معرکه جز لطمه باحساسات یک قوم حاصلی دیگر نیست. پی باید با هوشیاری متوجه این مسئله شد که مغرضین هدفهای دیگری در سر دارند و بدین وسیله میخواهند از احساسات شدید اعراب نسبت بکلمه عرب بعنوان آلتی برای نیل بهدف پلید خود سوء استفاده نمایند و مقاصد مخاطره آمیز خود را عملی سازند. اینان برای رسیدن به هدف، میراث خواری استعمار را پیشه کرده و بقصد "تفرقه انداختن و حکومت کردن"، با عنوان نمودن چنین مطالبی باعث نفاق میان اعراب و ایرانیان حوزه خلیج فارس میگرددند. با این همه اظهارات روشنفکران عرب که گوشه ای از آن مذکور افتاد و سخنان بزرگان این قوم ثابت میکند که روشنفکران عرب هرگز آلت و وسیله اغراض مفسدین نخواهند شد.

هرگز یک عرب آگاه بموقعیت و باخبر از حساسیت اوضاع منطقه، از مطامع سیاسی و نظرات سوء افراد و از توجه به زمان و کیفیت اوضاع و اتخاذ خط مشی منطقی غافل نمانده آلت دست نمیشود. پس اگر کسی در این باب بخواهد پای لجاجت بمیان آورد، در واقع خواسته است عقب ماندگی فکری خود را بثبوت رساند و عقل و منطق را مغلوب احساسات نماید. زیرا از این رهگذر کوچکترین حاصلی برای کسی نیست مگر ایجاد ضربه بر پیکر احساسات ملی یک قوم.

بن مایه ها :

- (1) این نظر در بسیاری از کتابها مانند کتاب ملوک العرب نیز آمده است.
- (2) دریانورد پرتغالی قرن پانزدهم
- (3) ابن حقوق میگوید: (قبل از آزادی بنی اسرائیل از بند اسارت مصر دزدان دریائی در این حدود سکونت داشتند و کشتیهائی را که از انجا میگذشتند اسیر میساختند.)
- (4) پندیشری، شاندر ناگور، ماهمه، کاریکال و یانائون
- (5) سرزمین هندو چین در سابق شامل دو ویتنام، و کامبوج و لائوس و تایلند میگردد.
- (6) باید یاد آور شد که این کسب امتیاز منحصر بانگلیس نبود بلکه کمپانیهای امریکائی و فرانسوی و آلمانی نیز دست اندر کار بودند.
- (7) برای آشنایی باسناد و مدارک تسمیه خلیج فارس رجوع شود به کتاب سمینار خلیج فارس و کتاب وجه تسمیه خلیج فارس که از طرف اداره نهم سیاسی وزارت امور خارجه منتشر گردیده است و کتاب تاریخ سیاسی خلیج فارس اثر استاد نشأت و کتاب خلیج فارس اثر آرنولد ویلسون و کتاب خلیج فارس ، اثر احمد اقتداری
- (8) با اینکه نام شط العرب در تواریخ و آثار گذشته سرزمین ما ((اروند رود)) آمده است و ملت ایران از این امر آگاهی کامل دارد مع الوصف متأسفانه از جانب دولت ایران اقدامی برای تغییر نام این رود خانه بصورت (شط فارس) در کتب و نقشه ها و مقالات رسمی و غیر رسمی بعمل نیامده است.(امروزه نام شط العرب به صورت رسمی به اروند رود تغییر کرده)
- (9) روزنامه کیهان شماره 7420 چهارشنبه 1347/2/4
- (10) باعث تأسف است که پاره ای از عناصر عرب در همین کنفرانس سعی و جهدی در جهت تغییر نام خلیج فارس مبذول داشتند.